



عبودیت

عبودیت، اظهار تذلّل و ذلت در برابر ذات اقدس الهی و عبادت خداوند متعال هم نهایت تذلّل می‌باشد

فهرست مندرجات

- ۱ - مقدمه
- ۲ - معنای لغوی
- ۳ - عبودیت در اصطلاح
- ۴ - عبودیت در بیان امام صادق
- ۵ - عبودیت در قرآن
 - ۵.۱ - تفسیر نخستین آیه
 - ۵.۲ - تفسیر دومین آیه
 - ۵.۳ - تفسیر سومین آیه
 - ۵.۴ - تفسیر چهارمین آیه
 - ۵.۵ - تفسیر پنجمین آیه
 - ۵.۶ - تفسیر ششمین آیه
 - ۵.۷ - تفسیر هفتمین آیه
 - ۵.۸ - تفسیر هشتمین آیه
 - ۵.۹ - نهمین و دهمین آیات
 - ۵.۱۰ - تفسیر یازدهمین آیه
 - ۵.۱۱ - تفسیر دوازدهمین آیه
 - ۵.۱۲ - تفسیر سیزدهمین آیه
 - ۵.۱۳ - تفسیر چهاردهمین آیه
- ۶ - نور بودن علم
 - ۶.۱ - حقیقت عبودیت
- ۷ - نسبت حکومت الهی با غیر الهی
- ۸ - حقیقت عبادت برای خدا
- ۹ - نتیجه
- ۱۰ - پانویس
- ۱۱ - منبع

مقدمه

برای پی بردن به تاثیر عبادت و نیایش در تهذیب نفوس و پرورش فضائل اخلاقی، قبل از هر چیز باید با مفهوم و حقیقت عبادت آشنا شد. گرچه بحث درباره حقیقت عبادت سخنی مبسوط و گسترده را می‌طلبد و بزرگان در تفسیر و اخلاق و فقه و حدیث درباره آن سخن بسیار گفته‌اند، اما در یک اشاره کوتاه چنین می‌توان گفت: برای یافتن حقیقت عبادت باید به واژه «عبودیت» و مفهوم آن که ریشه‌ی اصلی عبادت است توجه نمود.

معنای لغوی

«عبودیت» از نظر لغت به انسانی گفته می‌شود که سر تا پا تعلق به مولا و صاحب خود دارد؛ اراده‌اش تابع اراده‌ی او، و خواستش تابع خواست اوست؛ در برابر او خود را مالک چیزی نمی‌داند و در اطاعت او سستی به خود راه نمی‌دهد.

عبودیت در اصطلاح

بنابراین عبودیت اظهار آخرین درجهی **خضوع** در برابر کسی است که همه چیز از ناحیهی او است و به خوبی می‌توان نتیجه گرفت که تنها کسی می‌تواند «معبود» باشد که نهایت انعام و اکرام را کرده است و او کسی جز **خدا** نیست!
به تعبیر دیگر، و از بُعد دیگر «عبودیت» نهایت اوج تکامل روح یک انسان و قرب او به خداست، و عبودیت تسلیم مطلق در برابر ذات پاک اوست؛ عبادت تنها **رکوع** و **سجود** و قیام و قعود نیست، بلکه روح عبادت تسلیم بی‌قید و شرط در برابر **کمال مطلق** و ذات بی‌مثالی است که از هر **عیب** و نقص می‌رست.
بدیهی است چنین عملی بهترین انگیزه‌ی توجّه به کمال مطلق و پرهیز از هرگونه آلودگی و ناپاکی است؛ چرا که **انسان** سعی می‌کند خود را به معبود خویش نزدیک و نزدیکتر سازد تا پرتوی از جلال و جمال او در وجودش ظاهر شود که گاه از آن تعبیر به «مظهر صفت خدا شدن» می‌کنند.

عبودیت در بیان امام صادق

در حدیثی از **امام صادق (علیه‌السلام)** می‌خوانیم: «العبودية جوهره کنهها الربوبية؛ عبودیت گوهری است که **ربوبیت** در درون آن نهفته شده است.»
[۱] گیلانی، عبدالرزاق، مصباح الشریعة، ص ۷.

[۲] مجیدی ری‌شهری، محمد، میزان الحکمه، ج ۳، ص ۱۷۹۸، واژه‌ی عبد.

اشاره به این که عبد تلاش و کوشش می‌کند که خود را در صفت شبیه به معبود سازد و پرتوی از **صفت جلال و جمال** او را در خود منعکس کند، و نیز انسان در سایه‌ی عبودیت به جایی می‌رسد که به **این پروردگار** می‌تواند در **جهان تکوین، تدبیر و تصرف** کند، و صاحب **لایت تکوینیه** شود، همان‌گونه که آهن سرد و سیاه بر اثر مجاورت با **آتش**، گرم و سرخ و فروزان می‌شود؛ این حرارت و نورانیت از درون ذات او نیست بلکه پرتو ناچیزی از آتش به او افتاده و به این رنگ در آمده است.

عبودیت در قرآن

با این اشاره به **قرآن** باز می‌گردیم و چگونگی تاثیر عبادت را در پرورش فضایل اخلاقی در **آیت قرآن** بررسی می‌کنیم.

← تفسیر نخستین آیه

در همین راستا، در نخستین آیه، همی انسان‌ها را بدون استثنا مخاطب ساخته و راه **تقوا** را این‌گونه به آن‌ها نشان می‌دهد؛ می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ اعْبُدُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ وَالَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ»؛

[۱] بقره/سور ۲، آیه ۲۱.

ای مردم! پروردگارتان را که شما و پیشینیان شما را آفریده **پرستش** کنید تا پرهیزکار شوید!

تکیه بر **آفرینش** پیشینیان ممکن است اشاره به این باشد که **اعراب جاهلی** برای توجیه پرستش بت‌ها، تکیه بر فعل پیشینیان داشتند، آیه‌ی فوق می‌گوید خداوند هم آفریدگار شماسات و هم آفریننده‌ی پیشینیان است؛ آری! او خالق همه کس و همه چیز و مالک همه کس و همه چیز است؛ و تنها او شایسته‌ی عبادت است، نه بت‌ها؛ اگر رو به سوی عبودیت خالص او آید، شکوفه‌های تقوا بر شاخسار جان شما آشکار می‌شود؛ و این آلودگی‌های اخلاقی شما ناشی از عبادت خرافی شماسات. این آیه رابطه‌ی نزدیک تقوا و عبادت را به طور مطلق بیان می‌کند.

← تفسیر دومین آیه

در حالی که در آیه‌ی بعد به رابطه‌ی «**روزه**» که یکی از عبادات مهم است و «تقوا» اشاره شده است؛ می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ»؛

[۲] بقره/سور ۲، آیه ۱۸۳.

ای کسانی که ایمان آورداید روزه بر شما نوشته شده همان‌گونه که بر کسانی که قبل از شما بودند نوشته شد تا پرهیزگار شوید!

هر کس به روشنی در می‌یابد که به هنگام روزه داشتن، نور و صفای تازه‌ای در دل احساس می‌کند، خود را به نیکی‌ها نزدیکتر، و از زشتی‌ها و بدی‌ها دورتر می‌بیند، حتی آمارهای مستند نشان می‌دهد که در **ایام ماه مبارک رمضان** سطح جرائم در جامعه‌ی روزهدار، بسیار پایین می‌آید، تا آنجا که مأموران انتظامی به **اعتراف** خودشان در این ماه به کارهای عقمانده‌ی ماه‌های دیگر می‌پردازند! این امور به خوبی نشان می‌دهد که هر قدر انسان به عبودیت خداوند نزدیکتر شود از زشتی‌ها دورتر خواهد شد.

← تفسیر سومین آیه

در سومین آیه، به رابطه‌ی نزدیک «**نماز**» و پرهیز از **گناه و فحشاء** و **منکر** اشاره شده است؛ در این آیه شخص **پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم)** به عنوان یک **الگو** و **اسوه** مخاطب به این خطب شده است: نماز را برپا دار که نماز (انسان را) از زشتی‌ها و گناه باز می‌دارد (وَ أَقِمِ الصَّلَاةَ إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ).

[۳] عنکبوت/سور ۲۹، آیه ۴۵.

«فحشاء و منکرات» مجموعه‌ی افعال غیر اخلاقی است، و می‌دانیم تمام افعال غیر اخلاقی سرچشمه‌ای از صفت ضد ارزشی در درون جان انسان دارد؛ و به تعبیر دیگر، همیشه اخلاق درونی است که در اخلاق برونی اثر می‌گذارد.

تاثیر نماز در باز داشتن از فحشاء و منکر نیز درست به همین دلیل است؛ زیرا نماز با افعال و انکار بسیار پر محتوایش، انسان را در جهانی برتر و والاتر (جهان قرب به خدا) وارد می‌کند؛ و این نزدیکی او را از سرچشمه‌های اصلی فحشاء و منکر که همان **هوای نفس** و حب افراطی به **دنیا** است دور می‌سازد.

به همین دلیل، نمازگزاران واقعی کمتر گناه می‌گردند؛ و هر قدر نماز روح و جان و محتوای بیشتری داشته باشد، به همان نسبت انسان از منکرات و زشتی‌ها دورتر می‌شود و شکوفه‌های فضایل و اخلاق در درون جاننش آشکارتر می‌گردد.

← تفسیر چهارمین آیه

در چهارمین آیه، بعد از اشاره به بعضی از رذایل اخلاقی مانند **جزع** و بی‌تابی به هنگام بروز مشکلات، و **بخل** به هنگام دست یافتن به خیرات، تنها نمازگزاران را استثنا می‌کند، و می‌فرماید: «إِنَّ الْإِنْسَانَ خُلِقَ هَلُوعًا إِذَا مَسَّهُ الشَّرُّ جُرُوعًا وَإِذَا مَسَّهُ الْخَيْرُ مَنُوعًا إِلَّا الْمُصَلِّينَ الَّذِينَ هُمْ عَلَى صَلَاتِهِمْ دَائِمُونَ»؛

[۱۶] معارج/سوره ۷۰، آیه ۱۹-۲۴.

انسان **حریص** و کجخلقت آفریده شده است، هنگامی که بدی به او رسد بی‌تابی می‌کند و هنگامی که خوبی به او رسد بخل می‌ورزد و مانع دیگران می‌شود مگر نمازگزاران، آن‌ها که نماز را به طور مرتب به جا می‌آورند»

این آیه با روشنی ثابت می‌کند که توجه به ذات پاک پروردگار و عبادت و نیایش در پاکسازی روح و جان از **ذرائع اخلاقی** مانند بخل و جزع و بی‌تابی اثر مستقیم دارد.

← تفسیر پنجمین آیه

در پنجمین آیه، اشاره به تاثیر مسالهی **زکات** در پاکسازی **روح** و **تزکیه نفس** می‌کند و می‌دانیم زکات در **اسلام** یکی از عبادات مهم محسوب می‌شود؛ می‌فرماید: «خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيهِمْ بِهَا؛

[۱۷] توبه/سوره ۹، آیه ۱۰۳.

از اموال آن‌ها صدقه‌ای (به عنوان زکات) بگیر تا به وسیلهی آن، آن‌ها را پاک سازی و **پرورش** دهی».

تعبیر «تزکیه به» **ذلیل** روشنی بر این **حقیقت** است که **تطهیر** و تزکیه‌ی نفس به وسیله‌ی زکات حاصل می‌شود، چرا که زکات، رذایلی همچون بخل و **دنیابریستی** و حرص و آز را از روح، زایل می‌کند، و نهال نوع‌دوستی و **سخاوت** و حمایت از مستضعفان را در سرزمین دل پرورش می‌دهد.

روایاتی که در ذیل این آیه نقل شده است نیز این حقیقت را روشن‌تر می‌کند:

در حدیثی از پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) می‌خوانیم: «ما تصدق احدکم بصدقة من طیب و لا یقبل الله الا الطیب الا اخذها الرحمن بيمينه و ان کانت تمرّة فتربو من کف الرحمن فی الرحمن حتی تکون اعظم من الجبل؛

[۱۸] نیشابوری، **مسلم بن حجاج، صحیح مسلم، ج ۲، ص ۷۰۲، طبع پیروت.**

هیچ کس از شما صدقه‌ای از **مال حلال** نمی‌پردازد - و البته خداوند جز حلال قبول نمی‌کند - مگر این که خداوند آن را با **دست** خود می‌گیرد، حتی اگر یک دانه خرما باشد، سپس در دست خدا نمو می‌کند تا بزرگتر از کوه شود!»

این **حدیث** که تشبیه و کنایه‌ی پر معنایی در بردارد اهمیتی فوق‌العاده‌ی این عبادت بزرگ، و ارتباط مستقیم آن را با خدا و مسائل معنوی روشن می‌سازد.

← تفسیر ششمین آیه

در ششمین آیه، به یکی دیگر از عبادات مهم و معروف، یعنی **نکر خدا** اشاره شده و از تاثیر عمیق آن در آرامش دل‌ها، سخن می‌گوید؛ می‌فرماید: «الَّذِينَ آمَنُوا وَ تَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ؛

[۱۹] رعد/سوره ۱۳، آیه ۲۸.

آنان کسانی هستند که ایمان آورده‌اند، و دل‌هایشان به **یاد خدا** مطمئن (و آرام) است، آگاه باشید با یاد خدا دل‌ها آرامش می‌پذیرد!»

آرامش دل همیشه توأم با **توکل بر خدا**، و عدم وابستگی به مادیات و **عشق** به زرق و برق دنیا و آز و طمع و بخل و **حسد** است. چرا که اگر این **صفت رذیله** در دل باشد، آرامشی در آن نخواهد بود. بنابراین، یاد خدا می‌تواند اثر عمیقی در دور ساختن انسان از این رذایل داشته باشد، تا شکوفه‌ی آرامش بر شاخسار دل آشکار گردد.

به تعبیر دیگر، اگر یک نظر اجمالی به ریشه‌های ناآرامی روح و پریشانی خاطر و اضطراب‌ها و نگرانی‌ها ببیند، می‌بینیم همگی آن‌ها از رذایل اخلاقی سرچشمه می‌گیرند، ولی یاد خدا آن‌ها را می‌خشکاند و ناآرامی را به اطمینان و آرامش مبدل می‌سازد.

[۲۰] مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ج ۱۰، ص ۲۲۸، ذیل آیه.

← تفسیر هفتمین آیه

در هفتمین و آخرین آیه، به تاثیر نماز و روزه در تقویت روح انسان اشاره کرده، می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَ الصَّلَاةِ إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ؛

[۲۱] بقره/سوره ۲، آیه ۱۵۳.

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از **صبر** (روزه) و نماز کمک بگیرید! (زیرا) خداوند با صابران است!»

در بعضی از **روایات اسلامی** صبر به روزه تفسیر شده است.

[۲۲] طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان، ج ۱، ص ۲۱۷، ذیل آیه ۴۵ سوره بقره.

[۲۳] بحرانی، سیدهاشم، تفسیر برهان، ج ۱، ص ۲۰۸، ذیل آیه ۱۵۳، سوره بقره.

در حدیثی از **امام صلوات (علیه‌السلام)** آمده است که در ذیل آیه «اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَ الصَّلَاةِ»، فرمود: «الصبر هو الصوم»

[۲۴] مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۹۳، ص ۲۵۴.

که یکی از مصداق‌های روشن صبر است، و گرنه صبر مفهوم وسیعی دارد که هرگونه استقامت در برابر **هوای نفس** و وسوسه‌های شیطان و استقامت در طریق **اطاعت پروردگار**، و در برابر حوادث ناگوار و مصائب را شامل می‌شود.

در حدیثی از **امیر مؤمنان علی (علیه‌السلام)** می‌خوانیم که هرگاه کار مهمی برای او پیش می‌آمد نماز می‌خواند، سپس آیه‌ی «وَ اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَ الصَّلَاةِ» را **تلاوت** می‌فرمود (کن علی اذا هاله امر فزع، قام الی الصلوة ثم تلا هذه الآية و استعینوا بالصبر و الصلوة)

[۲۵] کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، ج ۳، ص ۴۸۰، طبق نقل المیزان.

[۲۶] طباطبایی، سیدمحمدحسین، المیزان، ج ۱، ص ۱۵۳.

اشاره به این که نماز به من نیرو می‌بخشد.

آری! این عبادت‌های مهم فضایی همچون **توکل** و **شجاعت** و **شهامت** و صبر و استقامت را در وجود انسان زنده می‌کند، و از رذایل اخلاقی همچون **جبن** و **ترس**، تردید و دودلی، **اضطراب** و نگرانی در برابر حوادث مهم، و **دنیابریستی**، دور می‌سازد؛ و به این ترتیب، بخش مهمی از فضایل اخلاقی را در وجود انسان زنده می‌کند، همان‌گونه که بخش قابل توجهی از رذایل را می‌میراند.

← تفسیر هشتمین آیه

خداوند متعال می‌فرماید: «مَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ؛

[۲۷] سوره ذاریت/۵۲، آیه ۵۶.

جِن و انس را نیافریدم جز برای اینکه عبادت کنند»

امام صادق (علیه‌السلام) در تفسیر این آیه فرمود: آنان را خلق کرد تا امرشان کند که عبادش کنند.

[۱۸۸] صدوق، محمد بن علی، علل الشرایع، ص ۱۳.
و همین‌طور در تفسیر آیه مزبور فرمود: «خَلَقَهُمْ لِعِبَادَةٍ»

[۱۹۱] صدوق، محمد بن علی، علل الشرایع، ص ۱۴.

برای عبادت خلقشان کرد.»
و امیر المؤمنین (علیه‌السلام) در **خطبه ذی‌قار** می‌فرماید: «... فَإِنَّ اللَّهَ تَعَالَى بَعَثَ مُحَمَّدًا (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) بِالْحَقِّ لِيُخْرِجَ عِبَادَهُ مِنْ عِبَادَةِ عِبَادِهِ إِلَى عِبَادَتِهِ، وَ مِنْ غُهْدِ عِبَادِهِ إِلَى غُهْدِهِ، وَ مِنْ طَاعَةِ عِبَادِهِ إِلَى طَاعَتِهِ، وَ مِنْ وِلَايَةِ عِبَادِهِ إِلَى وِلَايَتِهِ»

[۱۹۰] کلینی، محمد بن یعقوب، کافی، ج ۸، ص ۳۸۶.

همانا خدای تعالی محمد (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) را به حق مبعوث کرد تا بندگان را از پرستش بندگان به پرستش خود، و از بیعت بندگان به بیعت خود، و از فرمان‌بری بندگان به فرمان‌بری خود، و از ولایت و دوستی بندگان به ولایت خود در آورد.»

آری عبد بودن یعنی بنده و کوچک بودن، و مولا بودن یعنی آقا و بزرگ بودن. کسی که مالک باشد اقامت و کسی که مملوک باشد بنده است. او که **مالکیت مطلق** دارد، تسلط بر همه‌ی امور، ولایت و حکومت بر همگان، **امر** و **نهی** و بزرگی و عظمت برای همه دارد. و بندگان و مملوک‌ها را در مقابل او فروتنی و افتادگی، کوچکی و فرمان‌بری لازم است.

← **نهمین و دهمین آیات**

«وَ قَضَى رَبُّكَ أَنْ لَا تَعْبُدُوا إِلَّا آيَا»؛

[۱۹۱] سوره اسر/۱۷، آیه ۲۳.

حکم پروردگارت بر این قرار یافت که فقط او را **عبادت** کنید.»
«وَ لَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنْ اعْبُدُوا اللَّهَ وَ اجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ»؛

[۱۹۲] سوره نحل/۱۶، آیه ۳۶.

در هر امتی رسولی برانگیختم که خدا را عبادت کنید و از **طاغوت** دوری جوید.»

← **تفسیر یازدهمین آیه**

خدای تعالی فرماید: «وَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ آلِهَةً لِيَكُونُوا لَهُمْ عِزًّا - كَلَّا سَيَكْفُرُونَ بِعِبَادَتِهِمْ وَ يَكُونُونَ عَلَيْهِمْ ضِدًّا»

[۱۹۳] سوره مريم/۱۹، آیت ۸۱-۸۲.

مشركان غیر از خدای تعالی خدایانی برای خود گرفتند تا موجب عزتشان باشند. چنین نیست! بزودی آن خدایان، پرستش آنان را انکار کرده و **دشمن** آنان خواهند شد.»
امام صادق (علیه‌السلام) در تفسیر این آیه فرمود: آنان که غیر از خدای تعالی برای خودشان خدایانی قرار داده‌اند، در **روز رستخیز** خدایانشان با آنان به مخالفت برخاسته، از آنان و عبادتشان بیزاری خواهند جست.

سپس امام (علیه‌السلام) فرمود: پرستش و عبادت، سجده و رکوع نیست؛ بلکه پرستش همان اطاعت است. هر کس مخلوقی را در نافرمانی و **معصیت** خدای تعالی اطاعت کند، او را پرستش کرده است.

[۱۹۴] قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، ج ۲، ص ۵۵.

و **امام باقر (علیه‌السلام)** می‌فرماید: شما (شیعیان) آن گروهی هستید که از عبادت طاغوت سرپیچی کردید. و هر کس ستمگری را اطاعت کند، همانا او را پرستش کرده است.

[۱۹۵] مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۲۳، ص ۳۶۱.

← **تفسیر دوازدهمین آیه**

با توجه به اینکه بندگان و آنچه در اختیار آن‌ها قرار داده شده ملک طلق خداوند متعال است، پس این اعضا و جوارح و تمام ساختمان بدن انسان هم ملک اوست و استفاده از آن‌ها منوط به **اذن** و رضای اوست و هر تصرفی در آن‌ها، اگر مطابق حکم و اذن و رضای خدا نباشد، **حرام** خواهد بود. پس خداوند متعال همگان را مالکیت و **سلطنت** بر نفوس و اموالشان داده است، و حدود و ثغور آن را به وسیله **شرایع آسمانی** بیان کرده است. پس هیچ‌کس را بر دیگری سلطنت و **حکومت** و فرماندهی نیست جز اینکه خدای تعالی داده باشد. خدای تعالی می‌فرماید: «بِئْسَ لِلَّهِ مَلِكٌ الْمُؤَكَّدُ يُؤْتِي الْمُلْكَ مَنْ تَشَاءُ وَ تَنْزِعُ الْمُلْكَ مِمَّنْ تَشَاءُ وَ تَعَزُّزُ مِنْ تَشَاءُ وَ تُؤْتِي مَنْ تَشَاءُ مِنْ ثَمَّارِهِ بَيْنَ يَدَيْهِ إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ»؛

[۱۹۶] سوره آل عمران/۲، آیه ۲۶.

بگو: خدای تعالی! ای دانه‌ی ملک! مدهی ملک را به کسی که می‌خواهی، و می‌گیری از کسی که می‌خواهی. و **عزت** می‌بخشی کسی را که بخواهی. و **ذلیل** می‌کنی کسی را که خود می‌خواهی. همه‌ی خیرات در دست تو است. همانا تو به هر چیزی توانا هستی.»

← **تفسیر سیزدهمین آیه**

و باید متوجه بود همه‌ی حکومت‌ها و سلطنت‌ها در مسیر حکومت و سلطنت الهی نیست، و حکومت و سلطنتی در طول حکومت و سلطنت خداوند متعال قرار دارد که در جهت اطاعت و فرمان‌بری و **خضوع** و **خشوع** در مقابل خداوند باشد. و آن، عبارت است از حکومت و سلطنت پیامبران الهی و اوصیای آن‌ها و آنان که از ناحیه این‌ها مأذون به سرپرستی امور مردم باشند و از حدود و ثغور آن تجاوز نکنند. و از این میان **حضرت محمد (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ)**، **ولایت** و مالکیتش شامل همه‌ی درجات و مراتب ولایت‌ها و مالکیت‌ها است، و مالکیت تمام والیان امر، امیران لشکر، حاکمان بلاد، **قضات** و **علماء**، و همچنین ولایت موالی بر عبید، همه تحت ولایت و مالکیت پیامبر گرامی اسلام (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) قرار گرفته‌اند. امام باقر و امام صادق (علیهما‌السلام) می‌فرمایند: «إِنَّ اللَّهَ فَوَّضَ إِلَى نَبِيِّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) أَمْرَ خَلْقِهِ لِيَنْظُرَ كَيْفَ طَاعَتُهُمْ. ثُمَّ تَلَا هَذِهِ الْآيَةَ: «مَا تَلَاكُمْ الرَّسُولُ فَعَدُوَةٌ وَ مَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا»؛

[۱۹۷] سوره حشر/۵۹، آیه ۷.

خدای تعالی امور خلق را به پیامبرش **تفویض** کرد تا ببیند چگونه از او فرمان می‌برند. سپس حضرت این آیه را **تلاوت** کرد: هر چه رسول برایتان آورد لخذ کنید. و از هر چه **نهی** کرد ترکش کنید.»

[۱۸۸] اصول کافی، ج ۱، ص ۲۶۶.

و امام باقر (علیه‌السلام) فرماید: «فَمَا حَرَّمَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) فَهُوَ بِمَنْزِلِهِ مَا حَرَّمَ اللَّهُ»؛

[۱۹۹] مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۱۷، ص ۱۰.

هر چه را رسول خدا (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) حرام کند، به منزله‌ی آن است که خداوند متعال حرام کرده است.»

و همین امر درباره‌ی امامان معصوم (علیهم‌السلام) که اوصیای گرامی پیامبر اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله) و ذریعی آن حضرت هستند، جاری است جز اینکه آنان را حق تحلیل و تحریم نیست. امام باقر (علیه‌السلام) در تفسیر آیه‌ی «اطیعوا الله و اطیعوا الرسول و اولی الامر منکم»

[\[۱۰\] سوره نساء/۴، آیه ۵۹.](#)

می‌فرماید: هُنَّ فِي عَالِي وَ فِي الْأَنْمَةِ جَعَلَهُمُ اللَّهُ مَوَاضِعَ الْأَنْبِيَاءِ، غَيْرَ أَنَّهُمْ لَا يُجَلُونَ شَيْئاً وَ لَا يُحْرَمُونَ.

[\[۱۱\] عیاشی سمرقندی، محمد بن مسعود، تفسیر عیاشی ج ۱، ص ۲۵۲.](#)

این آیه درباره‌ی علی (علیه‌السلام) و امامان معصوم است که خداوند متعال آنان را در جای پیامبران قرار داده است؛ جز اینکه آنان چیزی را حلال و حرام نمی‌کنند.

نور بودن علم

امام صادق (علیه‌السلام) فرمود: «أَبْسِنَ الْعِلْمَ بِالتَّعْلَمِ، إِنَّمَا هُوَ نُورٌ يَبْقَى فِي قَلْبِ مَنْ يُرِيدُ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى أَنْ يَهْدِيَهُ. فَإِنْ أَرْنَتَ الْعِلْمَ فَطَلَبُ أَوْلَىٰ فِي نَفْسِكَ حَقِيقَةُ الْعُبُودِيَّةِ. وَ اطَّلَبِ الْعِلْمَ بِاسْتِقْمَالِهِ. وَ اسْتَقْفِهِمُ اللَّهُ بِفَهْمِكَ؛ عِلْمٌ أَنْ نَيْسَتْ كَمَا فِيهِ دَرَسُ الْغُرْفَتَيْنِ وَ تَعْلَمُ حَاصِلُ آيَةٍ. بَلَكَمَا عِلْمٌ نُورِيٌّ اسْتَقْبَلَهُ فِي قَلْبِ مَنْ كَسَبَتْهُ خِدَايَةُ تَعَالَى هِدَايَتِ أَوْ رَا إِدَاةً كَرْدَةً اسْتَقْبَلَتْ، قَرَارٌ مِي‌يَابِدِ. بَسْ اِكْرَ چنين علمي را خراستی، در مرحله‌ی اول باید در **نفس** خود **حقیقت عبودیت** و **بنگی** را بجویی. و به دنبال آن، علم را به وسیله‌ی به کار گرفتن آن طلب کن و از خدای متعال بخواه که فهم و **هوش** عطایت کند.»

← حقیقت عبودیت

راوی می‌گوید: پرسیدم: حقیقت عبودیت چیست؟ حضرت فرمود: سه چیز است.

- **عبد** آنچه را خدا برایش داده ملک خود نپندارد. زیرا که **بنگن** و **برنگن** را **ملکی** نباشد. همی اموال را مال خدا دانسته و آنجایش نهد که خدایش فرمان داده است.

- بنده برای خود تدبیری از پیش خود نیندیشد.

- تمام مشغولیت خود را در اوامر و نواهی خدای متعال قرار دهد.

پس اگر بنده خود را مالک عطایا و بخشش‌های خدای تعالی نداند، مصرف آن‌ها در مواردی که خدایش دستور داده، برایش آسان آید. و اگر بنده‌ای تدبیر امورش را به خدای مدبّر واگذار، مصیبت‌ها و حوادث ناگوار دنیا برایش سهل شود. و اگر اوقت خود را مشغول به اوامر و نواهی خدای متعال کند، دیگر او را وقتی برای **جدال** با مردم و **فخر فروشی** به آن‌ها باقی نخواهد ماند.

و اگر خدای تعالی این سه را به بنده‌ای کرامت کند، **دنیا** و **شیطان** و تمامی خلائق در مقابل دیگانش چیزی به حساب نیایند و دنیا را برای فخر فروشی و زیاده‌طلبی نخواهد، و مال مردم را برای توانمندی و برتری‌جویی خود طلب نکند، و دنیای چند روزی خود را به تنبلی از دست ندهد.

همی این‌ها درجه‌ی اول از درجات تقوا است. خدای متعال می‌فرماید: «تِلْكَ الدَّرَجَاتُ الَّتِي نَجْعَلُهَا لِلَّذِينَ لَا يُرِيدُونَ عُلُوًّا فِي الْأَرْضِ وَ لَا فَسَادًا وَ الْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ»

[\[۱۲\] سوره قصص/۲۹، آیه ۸۳.](#)

آن سرای بازپسین را برای آنان قرار دادیم که اراده‌ی برتری و **فساد** در زمین نکنند. و سرانجام خوب از آن متقین است.»

پس **عبد** و آنچه در اختیارش است همه مال مولایش است. و از آن جهت که حقیقت هر چیزی به **مشیت خداوند متعال** تحقق پیدا کرده و می‌کند و هیچ چیزی خارج از مشیت او وجود نتواند گرفت، پس تمام ماسوئله‌های مخلوق و ممالک او خواهند بود. زیرا همه، وجودشان و بقایشان به مشیت خالق متعال وابسته است. و **اطاعت** و فرمان‌بری و دوستی و ولایت کسی غیر از او گناهی بزرگ و **کفر** به خداوند متعال است و عبادت غیر خدا خواهد بود. و اگر کسی دیگر در عرض خدا قرار داده شود **شُرک** است.

نسبت حکومت الهی با غیر الهی

پس روشن شد اطاعت از کسی عبادت اوست. و باز معلوم شد تمام مالکیت‌ها و ولایت‌ها و حکومت‌ها به خداوند متعال بازگشت می‌کند، و همه در طول مالکیت و ولایت خداوند قرار دارند. پس اگر کسی ولایت و حکومتی را با امر و اذن الهی تصاحب کند، حکومت و ولایت و سرپرستی او اطاعت خدا محسوب شده و عبادت خدای تعالی خواهد بود، و کسانی که از او فرمان برده و اطاعت کنند، خدای تعالی را اطاعت کرده و فرمان برده‌اند، و در نتیجه خدا را عبادت کرده‌اند. ولی اگر کسی ولایت و حکومتی را بدون امر و اذن الهی تصاحب کند، آن را **عصیب** کرده و خود را ضدّ و نَدّ قرار داده است و در عرض خدا برای خود مقام **عبودیت** قائل شده است. چون از دیگران می‌خواهد از او اطاعت کنند و فرمان برند و اطاعت دیگران از او هم اطاعت و عبادت او خواهد بود نه اطاعت و عبادت خدای تعالی.

و همین‌طور است ولایت و **حکومت** و سرپرستی انسان به نفس و اموال خود. اگر به آن‌ها از جهت اینکه خداوند متعال در اختیارش گذاشته نظر کند و تصرفش در آن‌ها را با اوامر الهی مطابق کند، خود همین، اطاعت خدا و عبادت او خواهد بود. ولی اگر بدون توجه به اذن و رضای الهی باشد، عبادت خدا نخواهد بود، بلکه تمام تصرفاتش تصرف در ملک غیر و حرام خواهد بود.

حقیقت عبادت برای خدا

پس روشن شد حقیقت عبودیت، **بنگی** کردن است. و حقیقت عبادت خضوع و خشوع و افتادگی است. و اطاعت از کسی و مطیع فرمان او بودن، افتادگی و خضوع و خشوع در مقابل اوست، پس عبادت او خواهد بود. بنابراین هر بنده‌ای فعلی را به قصد اطاعت از امر مولا و صاحب و مالکش انجام دهد، او را عبادت کرده است. و اگر کسی فعلی را به جهت خشنودی و رضای نفس خویش انجام دهد، نفس خود را عبادت کرده است. پس در این صورت افعال و اعمالی که برای رسیدن به **بهشت** یا **ترس** از **جهنم** انجام داده می‌شود، نمی‌توان آن‌ها را عبادت خدا به حساب آورد، گرچه خدای تعالی به آن‌ها امر کرده باشد. چون این اعمال در حقیقت به خاطر **حب** و دوستی و علاقه به نفس انجام گرفته است. ولی خداوند متعال، به لطف و کرم خود، بر بنگانش توسعه داده و به آنان اذن داده که اگر خواستند می‌توانند اعمالشان را به این دو جهت هم انجام دهند و برای آنان در مقابل این اعمال هم **ثواب** داده می‌شود. ولی باید توجه داشت که حق عبادت خدا آن است که به خاطر **حب** و دوستی خدای تعالی انجام شود. امام جعفر صادق (علیه‌السلام) می‌فرماید: همانا مردم خدای را به سه صورت عبادت می‌کنند: گروهی او را برای رسیدن به ثوابش می‌پرستند. این نوع عبادت، عبادت آزمندان است. و گروهی دیگر او را برای ترس از آتش می‌پرستند. این هم عبادت برنگن است. ولی من او را برای **حب** و دوستیش عبادت می‌کنم. و این عبادت را مردمان است.

[\[۱۳\] صدوق، محمد بن علی، علل الشرایع، ص ۱۲.](#)

پس بکوشیم اطاعت از پروردگاران را به خاطر **حب** و دوستی او بکنیم نه به خاطر دوستی نفس خود که در **آتش** نسوزد و در بهشت منتعم گردد، گرچه به این دو جهت هم اطاعت خداوند حساب شود.

از آنچه ذکر شد به خوبی می‌توان نتیجه گرفت که عبادات اثر بسیار عمیقی از جهت مختلف در **تهدیب اخلاق** دارند؛ این تاثیر را می‌توان در چند جهت خلاصه کرد:

۱. توجه به مبدا آفرینش و حضور پروردگار در تمام زندگی انسان‌ها سبب می‌شود که انسان مراقب اعمال و رفتار خویش باشد، و **هوای نفس** را تا آنجا که می‌تواند کنترل کند، چرا که عالم محضر خداست، و در محضر خداوند کریم، گناه کردن و راه خلاف پیمودن عین ناسپاسی است.
۲. توجه به **صفات جلال و جمال** او که در عبادات و مخصوصاً دعاها آمده است، نیایش‌کننده را **دعوت** می‌کند که پرتوی از آن اوصاف کریمه را در درون روح و جان خود منعکس کند و در مسیر تکامل اخلاقی قرار گیرد.
۳. توجه به **معاد**، همان دادگاه بزرگی که همه چیز در آنجا حسابرسی می‌شود، نیز اثر بازدارنده قوی و نیرومندی برای پلکسازای روح و جسم انسان دارد.
۴. عبادت و نیایش اگر با **حضور قلب** و آداب آن باشد، صفا و نورانیت غیر قابل توصیفی می‌آورد که در برابر آن ظلمات اخلاق رذیله تلب مقاومت ندارند؛ به همین دلیل، انسان پس از یک عبادت آمیخته با حضور قلب، خود را به نیکی‌ها نزدیکتر می‌بیند.
۵. محتوای عبادات و دعاها مملو است از آموزش‌های اخلاقی و بیان راه و رسم سیر و سلوک الی الله، که دقت در آنها نیز درس‌های بزرگی به انسان در این زمینه می‌دهد. عاشقان خودسازی و سالکان الی الله از طریق عبادت می‌توانند به هدف والای خود برسند و بدون عبادت و نیایش و **مناجات** و **راز و نیاز** با پروردگار مخصوصاً در خلوت و به ویژه در سحرگاهان راه به جایی نمی‌برند.

پانویس

۱. [گیلانی، عبدالرزاق، مصباح الشریعه، ص ۷.](#)
۲. [محمدی ری‌شهری، محمد، میزان الحکمه، ج ۳، ص ۱۷۹۸، واژه‌ی عبد.](#)
۳. [بقره/سور ۲، آیه ۲۱.](#)
۴. [بقره/سور ۲، آیه ۱۸۳.](#)
۵. [عنکبوت/سور ۲۹، آیه ۴۵.](#)
۶. [معارف/سور ۷۰، آیه ۱۹-۲۴.](#)
۷. [توبه/سور ۹، آیه ۱۰۳.](#)
۸. [نیشابوری، مسلم بن حجاج، صحیح مسلم، ج ۲، ص ۷۰۲، طبع بیروت.](#)
۹. [رعد/سور ۱۳، آیه ۲۸.](#)
۱۰. [مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ج ۱۰، ص ۲۲۸، ذیل آیه.](#)
۱۱. [بقره/سور ۲، آیه ۱۵۳.](#)
۱۲. [طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان، ج ۱، ص ۲۱۷، ذیل آیه ۴۵ سور ه بقره.](#)
۱۳. [بحرانی، سیدهاشم، تفسیر برهان، ج ۱، ص ۲۰۸، ذیل آیه ۱۵۳، سور ه بقره.](#)
۱۴. [مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۹۳، ص ۲۵۴.](#)
۱۵. [کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، ج ۳، ص ۴۸۰، طبق نقل المیزان.](#)
۱۶. [طباطبایی، سیدمحمدحسین، المیزان، ج ۱، ص ۱۵۳.](#)
۱۷. [سوره ذاریت/۵۲، آیه ۵۶.](#)
۱۸. [صدوق، محمد بن علی، علل الشرایع، ص ۱۳.](#)
۱۹. [صدوق، محمد بن علی، علل الشرایع، ص ۱۴.](#)
۲۰. [کلینی، محمد بن یعقوب، کافی، ج ۸، ص ۳۸۶.](#)
۲۱. [سوره اسراء/۱۷، آیه ۲۳.](#)
۲۲. [سوره نحل/۱۶، آیه ۳۶.](#)
۲۳. [سوره مریم/۱۹، آیت ۸۱-۸۲.](#)
۲۴. [قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قتی، ج ۲، ص ۵۵.](#)
۲۵. [مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۲۳، ص ۳۶۱.](#)
۲۶. [سوره آل عمران/۲، آیه ۲۶.](#)
۲۷. [سوره حشر/۵۹، آیه ۷.](#)
۲۸. [اصول کافی، ج ۱، ص ۲۶۶.](#)
۲۹. [مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۱۷، ص ۱۰.](#)
۳۰. [سوره نساء/۴، آیه ۵۹.](#)
۳۱. [عیاشی سمرقندی، محمد بن مسعود، تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۵۲.](#)
۳۲. [سوره قصص/۲۹، آیه ۸۳.](#)
۳۳. [صدوق، محمد بن علی، علل الشرایع، ص ۱۲.](#)

منبع

